

## بسمه تعالی

خلاصه کتاب جامعه شناسی خودمانی حسن نراقی

درس ارتباطات و توسعه

سرکار خانم دکتر امیر پور

ارائه دهنده: حمیدرضارضائی

مهر 1394

در متن ذیل خلاصه کتاب "چرا درمانده ایم؟ - جامعه شناسی خودمانی-حسن نراقی" آمده است. این کتاب با بیانی ساده و قابل فهم و عامیانه به بررسی حدود 17 خصلت رفتاری ایرانی ها و معرفی آنها پرداخته است که در مدت حدود ده سال به چاپ بیست و هفتم رسیده است.

**با تاریخ بیگانه ایم:** حتی تحصیل کرده های جامعه با تاریخ میانه خوبی ندارند در دوره های دبیرستان نه درس تاریخ و نه معلم تاریخ زیاد جدی گرفته نمی شوند. از وقایع تاریخی درس نمی گیریم و ملتی که تاریخ گذشته اش را نمی خواند و نمی داند همه چیز را باید خودش تجربه کند. تجربه ای را به قیمت گزاف به دست می آوریم ولی از آن عبرت نگرفته و پس از یکی دو نسل یادمان می رود و دو باره روز از نو و روزی از نو مانند درس نگرفتن از حمله مغول به ایران و ویرانی ها و عقب ماندگی ها و تبعات منفی آن که دوباره در جنگهای ایران و روسیه تکرار شد و منجر به تحمیل عهدنامه های گلستان و ترکمانچای به کشورمان شد.

**حقیقت گریزی و پنهان کاری ایرانیان:** ما ایرانی ها علاقه چندانی به روبرو شدن با حقایقی که به هر دلیل مطابق میل و سلیقه مان نباشد نداریم و هر مساله ای را به مقدرات خداوند نسبت داده و از کوشش در رفع آنها دریغ می کنیم، با این وضعیت کسی که در مناصب بالای حکومتی قرار می گیرد طبعاً دلش نمی خواهد و یا نمی تواند مسائل و مشکلات را حل کند. در این حالت مسائل پس از مدتی خود را در جامعه نشان می دهند مانند فقر، بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر و ...

**ظاهر سازی:** اکثریت قریب به اتفاق ما ایرانی ها اهل تظاهر هستیم، تظاهر به درستی، تظاهر به ادب و نزاکت، ثروت، قدرت، و ... و به هر دلیل دوست داریم به داشتن آن صفت و یا امکان شهره شویم. ایرانی ها به دلایل نامعلومی از سنت های پرخرجی پیروی می کنند که تا به حال سابقه نداشته است. دولت هم در سطحی وسیع تر برخاسته از همین مردم و ملت است و هر مساله ای هر چند کوچک، در سطح کلان و وسیع در بین دولتمردان و مسئولان حکومت نیز وجود دارد.

**قهرمان پروری و استبدادزدگی:** سراسر تاریخ ایرانیان مملو است از قهرمان بازی ها و قهرمان پروری ها، به محض اینکه قهرمانی را پرورش دادیم و ستایش کردیم، خیلی زود به دلیل اینکه نمی تواند تمام خواسته هایمان را برآورده کند شروع به ملامتش می کنیم، خودمان بالایش می بریم و خودمان هم زمینش می زنیم.

**خود محوری و برتری جویی:** هموطن ما به دلیل برتری جویی و خودشیفتگی، خود محور می شود و می خواهد دنیا را با متر خودش اندازه بگیرد و هیچ کس را در اطراف خودش قبول ندارد و به راحتی دیگران را کنار می گذارد. در این حالت کمک خواستن از نخبگان و دانایان به مسائل وجود ندارد و نخبگان جامعه سرخورده شده و به حاشیه رانده می شوند.

**بی برنامه‌گی ها:** ما ایرانی ها برای کمتر کاری است که برنامه ای دراز مدت و مدون داشته باشیم. برای برنامه ریزی ها مطالعه و بستر سازی نشده است و اکثر برنامه ریزی ها حتی در سطح کلان از اول محکوم به شکست هستند.

**ریا کاری و فرصت طلبی:** وقتی انسانی پنهان کاری کند و دروغ بگوید، برای حفظ این موضع به تظاهر و ریا آلوده خواهد شد و از عواقب ریا کاری عدم دسترسی به اعداد و ارقام و شاخص هایی است که در دنیای امروز بدون آنها نمی توان کاری از پیش برد. در جامعه ای که تزویر، فریب کاری و ریا کاری زیاد است کمتر کسی است که دوست و دشمنش را بشناسد در این حالت حرمت و تقدس کلمات از بین رفته و از واژه های مقدس سوء استفاده می شود.

**احساساتی بودن و شعار زدگی ما:** در اکثر موارد احساساتمان در اتخاذ و انتخاب مسیرمان نقش تعیین کننده ای دارد. اگر به افراد متفکر و مدیران لایق هم اداره حکومت داده شود، تا بستر مناسبی برای رشد در عمیق ترین لایه های اجتماعی فراهم نشود، امکان بهبود نیست.

**ایرانیان و توهم دائمی توطئه:** توهم وجود دائمی توطئه اعم از شخصی، اجتماعی، کشوری، حکومتی ... از توطئه و توطئه گر بسیار ضربه خورده ایم و به دلایل بسیاری از جمله ترس از عدم موفقیت، احتیاط و یا کم کاری، آن چنان دشمن بزرگی برای خودمان فرض می کنیم که خود را در مقابل آن پست و زبون می دانیم و برای عدم موفقیت خود توجیه داریم. به خاطر همین خصلت است که دولتهای استعماری در گذشته توانسته اند در ایران خیلی راحت تر از بقیه جاهای دیگر به مقاصد خودشان برسند.

**مسئولیت ناپذیری:** ما ایرانی ها مسئولیت انجام کارهایی که به عهده مان گذاشته اند و یا مسئولیت پاسخگویی در برابر کاری که انجام داده ایم را نداریم. فرهنگ ارتباطی رایج بین ما ایرانی ها فرهنگ شفاهی است که در این حالت در خیلی از مواقع می توان به تعهدات عمل نکرد. وقتی از بچگی مسئولیت ناپذیر هستیم چگونه ممکن است در جایگاه سرپرستی احساس مسئولیت کنیم، اگر هم احساس مسئولیت کنیم فقط در حد رفع تکلیف است.

**قانون گریزی و میل به تجاوز:** از قانونی که برای آسایش و یا رفاه خودمان وضع شده می گریزیم. در ایده آل ترین حالتی که از قانون تمکین می کنیم، حالتی است که برای ما فایده داشته باشد و یا لاقط ما را مستثنی

کند و برای بقیه اجرا شود در این حالت فرهنگ التماس کردن ، جلب ترحم کردن و تملق گفتن در بین عوام توسعه پیدا می کند و این همان آفتی است که به جان مملکت افتاده است .

**توقع و نارضایتی دائم ما :** به شدت از خانواده ، دوستان ، دولت و از همه به جز خودمان توقع داشته و طلبکار هستیم و چون توقعاتمان به صورت دلخواه هرگز برآورده نمی شود ، نارضایتی پیامد قطعی آن می شود . از خودمان توقع داریم و می خواهیم آدم برجسته ای در جامعه شویم و همیشه تبدیل به نفر اول شویم ، در حالی که می توانیم انسان خوبی باشیم (نفس عمل را درست کنیم) .

**حسادت و حسد ورزی :** از پیشرفت دیگران ناراحت می شویم . در بسیاری از موارد کاستی ها و کمبودهایی داریم که به شدت آزارمان می دهند ، اگر به هر دلیل نتوانستیم این کمبودها را جبران کنیم ، یکی از راه های مقابله با آن جلوگیری از رفع کمبودهای دیگران است .

**عدم صداقت ما :** دروغ گفتن به عادت ایرانی ها تبدیل شده و با تکرار آن ، قباحت آن در اذهان عمومی از بین رفته است . دروغ مایه زایش تمام فسادهاست و باعث نفاق و دورویی و فرار از مسئولیتها می شود . یکی دیگر از پیامدهای دروغ ، ظاهر سازی است . تازمانی که فردی در مسند قدرت است ، از او حساب می بریم و به محض اینکه قدرتش را از دست داد به او توهین و بی احترامی می کنیم .

**همه چیز دانی :** کمتر هموطنی است که هنگامی که در مقابل سؤالی قرار بگیرد و پاسخ آن را نداند از کلمه نمی دانم استفاده کند . ما عموماً در همه علوم متخصص هستیم و دوست داریم در مورد تمام مسائل اظهار نظر کنیم . بخش بزرگی از ناملایماتی که برسرمان آمده است ناشی از اشتباهات و کج اندیشی و بی عقلی خودمان بوده است نه اطرافیانمان .

**صراحت لهجه کم :** چون با دیگران روراست نیستیم ، از دیگران غیبت و بدگویی می کنیم و کلمه "نه" را نمی توانیم به زبان بیاوریم ولو آن که در همان لحظه خودمان قطعاً بدانیم که نمی توانیم ، و تمامی مسائل دنیا را با معیارهای خودمان می سنجیم نه با واقعیت .

**لاف زنی (فخر فروشی) :** هر قدر که از خواسته هایمان فاصله داشته باشیم ، لاف زنی هایمان به همان اندازه رشد خواهند کرد . باید ریشه مشکل را در خودمان خشک کنیم و به اصلاحات درونی خودمان هم پردازیم .